

# جمهوری اسلامی ایران: ترویج خشونت علیه زنان

روحی شفیعی

## مقدمه

در ایران، قوانین و مجموعه مقررات حقوقی عمدتاً مبتنی بر تبعیضی جنسیتی است و بنابراین مبین مصالح و منافع زنان، که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، نیست و از آنها در جامعه ایران که تحت سلطه مردان است، حمایت صحیحی به عمل نمی‌آورد. در هر جامعه‌ای زنان مرتکب جرایمی می‌شوند. این مقاله توجه را به زنانی جلب می‌کند که مرتکب جرمی شده و در اثر قوانین مدنی ایران و مجموعه قوانین جزایی اسلامی که آنها را از دسترسی به حقوق و فرصت‌های برابر محروم می‌کند، به زندان افتاده‌اند. بحث این مقاله بر این است که اگر قانون از زنانی که اکنون به عنوان مجرم طبقه‌بندی شده و در زندان به سر می‌برند حمایت می‌کند، تعداد کثیری از جرایم قابل جلوگیری بود؛ زنانی که اگر از فرصت کافی برای ظهور و بروز استعداد مکنون و توسعه آن برخوردار بودند، می‌توانستند اعضاء مفید و مؤثری برای جامعه باشند.

زنان مجرم در مقولات مختلفی قرار می‌گیرند از قبیل:

- زنانی که شوهران خویش را به قتل رسانده‌اند
- زنانی که سرپرست خانواده‌اند و به علت بدهی در زندان به سر می‌برند
- زنانی که به اتهام روسپیگری و/یا اعتیاد زندانی شده‌اند

علیرغم افزایشی در تعداد زنانی که دستگیر شده‌اند، فقط 41/3 درصد کل زندانیان را تشکیل می‌دهند. درصد بازداشت زنان تنها در موقعی بالاتر از میزان بازداشت مردان است که زنان به علت روسپیگری و/یا فرار از خانه (در مورد نوجوانان) تحت تعقیب قرار گیرند. بسیاری از جرایمی که زنان مرتکب می‌شوند شامل قتل همسر، قتل نوزاد، سقط جنین و سرقت می‌شود. جنسیت در انواع جرایمی که زنان به آن مبادرت می‌کنند نقش دارد، زیرا تجربیات آنها در زمینه خشونت و قرار گرفتن ایشان در معرض فقر شدید در راهی که در پیش می‌گیرند تأثیر دارد.

زنانی که شوهران خود را به قتل رسانده‌اند

همسرکشی در ایران پدیده‌ای رو به افزایش است. بنا به گفته محمدحسین نجاتی و تحقیقی که دانشگاه الزهراء طهران در سالهای 2009-2010 انجام داده، 30/85 درصد قتل‌ها در محیط خانواده رخ داده که اکثر آنها را زنان مرتکب شده‌اند. در حالی که 53 درصد از مردان همسران خود را بدون نقشه قبلی به قتل رسانده‌اند، 65 درصد قتل‌هایی که توسط زنان صورت گرفته با برنامه‌ریزی قبلی و عمدتاً با کمک مرد دیگری صورت گرفته است. دلایل اصلی مردان برای قتل همسرانشان آبرو، سوءظن، مسائل روانشناختی، فقر و اعتیاد است. دلایل عمده زنان برای قتل شوهرانشان خشونت در خانه، موانع حقوقی برای طلاق و نیز چندهمسری است؛ نتیجه مستقیم نابرابری جنسیتی در قانون که زنان را به طرف قتل همسرشان به عنوان تنها راه چاره عملی سوق می‌دهد.<sup>1</sup> همسرکشی توسط زنان را می‌توان پیامد ماده‌های زیان‌بخش قانون حمایت خانواده و قانون مدنی دانست که علیه زنان تبعیض قائل می‌شوند و برای آنها هیچ گزینه و انتخابی جز پناه آوردن به خشونت مفرط باقی نمی‌گذارند.<sup>2</sup>

مثال‌هایی از تبعیض مدون جنسیتی در قانون حمایت خانواده ایران شامل موارد زیر است:

- ماده 11 قانون درباره گذرنامه: اجازه کتبی شوهر برای صدور گذرنامه جهت زن لازم است. فرزندان زیر هجده سال نیز باید برای سفر اجازه ولی خود را داشته باشند.

- ماده 18 درباره سفر به خارج از کشور: زنان متأهل در هر سنی باید برای سفر به خارج از کشور اجازه کتبی همسر را داشته باشند. در موارد اضطراری، دادستان کل می‌تواند این اجازه را صادر کند. زنانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و شوهر خارجی اختیار کرده‌اند ولی ملیت ایرانی خود را حفظ نموده‌اند از شرط این بند مستثنی هستند.
- ماده 23 در مورد تعدد ازواج: دادگاه به مرد اجازه می‌دهد از دادگاه تقاضا کند که زوجه دیگری اختیار نماید مشروط بر آن که همسرش:
  - قادر به ایفای وظایف زناشویی نباشد یا امتناع نماید.
  - دارای بیماری روانی باشد.
  - مبتلا به بیماری لاعلاج باشد.
  - به علت ارتکاب جرم محکوم شده و حکم حبس یک ساله برای او صادر شده باشد.
  - محکوم به پرداخت جریمه شده و به علت ناتوانی در پرداخت آن ملزم به گذراندن دوران حبس باشد.
  - دارای اعتیاد باشد که دادگاه صحت آن را تأیید نماید.
  - مدت یک سال از خانه غیبت کند.
  - مدت شش ماه خانواده را تنها بگذارد.
  - عقیم باشد.
- شوهر باید تقاضای خود را همراه با مدارک به دادگاه بفرستد و تقاضای تجدید فرآیند نماید.
- تبعیض در قانون محدود به یک زمینه برای زنان متأهل نیست. قانون درباره ارث، محل سکونت، مرد به عنوان سرپرست خانواده، تمکین، استخدام و حضانت فرزند ذاتاً دارای جانبداری جنسیتی است. ذیلاً مواد دیگری از قانون خانواده ذکر می‌شود:
  - ماده 900 در مورد قانون ارث حق همسر از ارث تصریح می‌کند:
    - در صورت فوت زن با داشتن اولاد؛
    - زوج یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد.
  - ماده 901 در مورد ارث: ثمن فریضه زوج یا زوجه‌ها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد.
  - ماده 942 در مورد ارث: در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان به‌سویه تقسیم می‌شود.
  - ماده 1005 در مورد محل سکونت: اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است. معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد، می‌تواند با رضایت شوهر خود اقامتگاه شخصی جداگانه داشته باشد.
  - ماده 1108 درباره تمکین: وظیفه و تکلیف زناست که از لحاظ رابطه جنسی تسلیم امیال شوهرش باشد که تجاوز به عنف و مجوز این کار را در ازدواج دارد.<sup>3</sup>

- ماده 1117 دربارهٔ استخدام: شوهر، در صورتی که حرفه‌ای را نامناسب بداند یا بر پایهٔ سایر مصالح خانواده، می‌تواند زن خود را از کار کردن منع کند. از آنجا که مرد سرپرست خانواده است، سُلطهٔ کامل او بر زن تصدیق شده است. او می‌تواند زن را از اشتغالی که ممکن است تنها منبع درآمد زن باشد منع کند. بر مبنای این ماده، برخی از سازمانی‌های دولتی قبل از استخدام زنان رضایت کتبی شوهر را مطالبه می‌کنند.
  - ماده 1169 در مورد حضانت و سرپرستی اطفال: مادر برای حضانت کودکان تا هفت سالگی اولویت دارد و بعد از آن پدر سرپرستی و حضانت فرزند را به تنهایی عهده‌دار می‌شود. در صورتی که مصالح کودک مطرح باشد، دادگاه ممکن است در این مورد تصمیم بگیرد.
  - ماده 1170 در مورد سرپرستی و حضانت فرزند: اگر مادر، در مدتی که حضانت طفل با او است، مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند، حق حضانت با پدر خواهد بود.
  - ماده 1183: در کلیهٔ امور مربوط به اموال و حقوق مالی کودک، پدر یا پدر بزرگ تنها نمایندهٔ قانونی او هستند.
  - ماده 1189: پدر یا پدر بزرگ می‌توانند برای بعد از فوت جهت کودک وصی تعیین کنند.
  - ماده 1194: پدر یا جد پدری یا وصی منصوب از طرف یکی از آنان، ولی قانونی طفل محسوب می‌شود.
- عقد ازدواج و قانون حمایت خانواده حقوق و تکالیف برابر بین دو همسر را برقرار نمی‌کند. شوهر به عنوان سرپرست واحد خانواده دارای قدرت مطلق در رابطه با منابع مربوط به ازدواج است و زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر، خود را از قید عقد ازدواج رها کند، در حالی که مرد می‌تواند هر آن که بخواهد همسرش را طلاق دهد. تأکید پدرسالارانه و نابرابری حقوق مردان و زنان در ازدواج با وضع مقررات مربوط به پایان یافتن عقد محفوظ نگه داشته می‌شود.<sup>4</sup> افزایش پدیدهٔ شوهرکشی عمدتاً از ازدواج‌های اجباری، تفاوت سنی بین دو همسر، قوانین خشک و نیز فقدان حمایت از زنانی که در ازدواج ناخواسته گرفتار شده و توان گریز از آن را ندارند، نشأت می‌گیرد.

### زنانی که سرپرست خانواده هستند

طبق آمار رسمی ایران، نان‌آور ده درصد خانواده‌های کشور زن هستند.<sup>5</sup> قانون اسلامی حمایت خانواده تعریف صحیحی از این نوع خانواده به دست نمی‌دهد و بنابراین هیچ حمایتی از این قبیل طبقات زنان به عمل نمی‌آورد. بانون مدنی ایران، ماده 1105، تصریح می‌کند که در روابط زوجین، ریاست خانواده منحصراً از خصایص حق شوهر است.<sup>6</sup>

با این همه، در حدود 1,367,310 زن هستند که سرپرستی خانواده را به عهده دارند و به عنوان سرپرست خانواده با اطفال با مسائل بسیاری روبرو هستند که گاهی اوقات آنها را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد.<sup>7</sup> عواملی که در فقر میان زنان سرپرست خانواده دخیل است عبارتند از:

- خانواده دارای فقط یک فرد منبع تأمین مالی است.
- دسترسی محدود زنان به مشاغل سودآور و پول‌ساز.
- زنان، در اثر کار خانه و مراقبت از فرزندان، مشاغلی را انتخاب می‌کنند که به آنها اجازه دهد اوقاتی را در خانه صرف کنند.
- محدودیت در دسترسی به بعضی مشاغل به علت نوع جنسیت.
- حمایت محدود از زنان شاغل برای تأمین خانواده در مقابل شوهران خشن، معتاد یا ناتوان.

- نبود دانش در مورد وضعیت خانواده‌های تحت سرپرستی زنان در میان سیاست‌گذاران.
- زنانی که سرپرستی خانواده را به عهده دارند در یکی از مقولات زیر قرار دارند:
- مطلقه

• بیوه (از جمله بیوه‌های جنگی)

• زنانی که شوهرشان معلول یا بیکار است

• زنانی که شوهرشان معتاد است

• زنانی که شوهرشان دور از خانه است، یا مهاجرت کاره یا خارج از محل سکونت شاغل است

• زنانی که همسرشان زن دوم گرفته و آنها را ترک کرده است

رئیس ستاد دیده وزارت کشور ایران اظهار داشت از 9206 نفری که به علتّ مدیون بودن در زندان به سر می‌برند، 226 نفر از زنان هستند.<sup>8</sup> بیشترین تعداد زندانیان در استان‌های فارس و خراسان هستند که 4/31 درصد از آنان زنان شهری و 2/44 درصد از آنان زنان روستایی هستند که قبل از زندانی شدن سرپرستی خانواده را به عهده داشتند.

زنانی که در فقر مفرط به سر می‌برند و قادر به تأمین خانواده خویش نیستند نهایتاً ممکن است به سوی ارتکاب جرم کشیده شوند.<sup>9</sup> زنانی که سرپرستی خانواده‌های خود را به عهده دارند به معنای دقیق کلمه تحت حمایت حکومت نیستند، زیرا فقط مردان سرپرست خانواده شناخته می‌شوند. در سال 2011، در ولایت شیراز، سازمان‌های گوناگون طرحی تحقیقی را با شرکت 600 زن سرپرست خانواده برگزار کردند. در نتیجه، فهرستی از نیازهای آنها تهیه شد که حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود، و نیاز به حمایت با آموزش حرفه‌ای و کارایی را در بر می‌گیرد.<sup>10</sup>

### زنانی که به علتّ روسپیگری و/یا اعتیاد در زندان هستند

تحول سریع جامعه ایران در تضادّ با قوانین سنتی است که موقعیت نابرابر برای زنان را استمرار می‌بخشد؛ زنانی که اکثریت آنها اکنون در مناطق شهری سکونت دارند و با مسائل شهری دست به گریبان هستند. زنانی که خانواده‌هایشان از مناطق روستایی به شهرها نقل مکان کرده‌اند و با این همه تحت ساختارهای خشن خانوادگی می‌کنند و از تأمین کافی نیازهای خویش ناتوانند. دختران فراری بخش اعظمی از این مقوله زنان را تشکیل می‌دهند. دختران جوانی که از خانواده‌های خود فرار می‌کنند به دست جانیان افتاده به روسپیگری مبتلا می‌شوند.<sup>11</sup>

آخرین طبقه زنانی که زندانی شده‌اند مربوط به اعتیاد، سرقت یا دست داشتن در فعالیت جنایی به علتّ اعتیاد شوهرشان که گاهی اوقات شامل قاچاق هم می‌شود. اعتیاد غالباً همراه با روسپیگری است که با آهنگی هشدار دهنده رو به افزایش است. مجازات روسپی‌ها و مشتریان آنها ممکن است شامل تا صد ضربه شلاق و میزان متفاوتی حبس باشد.<sup>12</sup> روسپی اگر متأهل باشد ممکن است اعدام هم بشود.<sup>13</sup>

ارقام موجود نشان می‌دهد که طهران و استان شمال شرقی ایران، خراسان رضوی، بالاترین میزان "زنان خیابانی" را دارا هستند. ارقام همچنین گویای آن است که بین 10 تا 12 درصد از روسپی‌ها بین بیست تا سی سالگی ازدواج می‌کنند. بنا به اظهار مسعودی - فرید، سن شروع روسپیگری در سالهای اخیر پایین آمده است. مطالعات تأیید نشده حاکی از آن است که سنّ روسپیگری تا 14 سالگی کاهش یافته است.<sup>14</sup> تعداد فزاینده افراد صغیری که به روسپیگری روی می‌آورند بنا به گزارشها قربانیان خشونت خانوادگی، فقر، بیکاری و ازدواج‌های از قبل تعیین شده و نیز طلاق است.

## استنتاج

جامعه ایران پویا و سریع‌الرشد است؛ در اینجا لازم است که با مردان و زنان به طور برابر رفتار شود و توانایی‌هایی آنها توسعه یابد تا بتوانند استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود را به طور کامل به مرحله عمل در آورند. با این همه، خشونت و تبعیض علیه زنان در بسیاری از زمینه‌های جامعه زنان را به سوی جنایت و زندانی شدن سوق می‌دهد. احکام اسلامی از لحاظ جنسیتی جانبدارانه و از لحاظ حقوقی تبعیض‌آمیز است. در حالی که زنان به نحوی سودمند، جدی و حیاتی در جامعه ایران مؤثر و فعالند، قوانین، بخصوص قانون حمایت خانواده، قانون مدنی و نظام قضایی علیه مصالح عالی‌ه جامعه‌ای است که زنان بخش جدایی‌ناپذیر آنند.

## توصیه‌ها

- تجدید نظر در قانون حمایت خانواده و قانون مدنی برای حذف، اصلاح یا از میان برداشتن ماده‌های دارای جانبداری جنسیتی و منسوب کردن قضات زن در دادگاه‌ها با علم به فرصت‌های برابر و توسعه جنسیتی.
- در پیش گرفتن تدابیر و راهبردهایی برای کاهش خشونت علیه زنان در جامعه که مستقیماً از نگرش‌ها و اعمالی سرچشمه می‌گیرد که زنان شهروندان درجه دومی جامعه تلقی می‌شوند.
- بررسی مجدد وضعیت زنان زندانی، که بسیاری از آنها به علت بدهی در زندانند.
- تأمین تعلیمات، آموزش و برنامه‌های مرتبط با کار در زندان‌ها برای احیاء جماعتی از زنان که بعد از آزادی اعضای مفید جامعه شوند.

## پی نوشت

<sup>1</sup> همان

<sup>2</sup> دفتر حقوقی جرّمی دی مورلی، قانون حمایت خانواده ایران: ترجمه غیررسمی بخش‌هایی از مجموعه مقررات مدنی ایران، <http://www.international-divorce.com/Iran-Family-Law.htm>

<sup>3</sup> زیبا میرحسینی، تمکین: داستان‌هایی از دادگاه خانواده در ایران، در کتاب "زندگی روزمره در خاور میانه اسلامی" به ویراستاری دونا لی بوون و اولین ای ارلی، بلومینگتون، نشر دانشگاه ایندیانا، نشر دوم، 2002، صفحات 50-136 به نشانی: <http://www.zibamirhosseini.com/documents/mir-hosseini-book-chapter-tamkin-stories-from-fc-2002.pdf>

<sup>4</sup> زیبا میرحسینی، همان مأخذ.

<sup>5</sup> نینا کریستیانسن، خانواده‌های ایرانی دارای سرپرست زن، Iran Chamber Society.

<sup>6</sup> قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، علوی و همکاران، <http://www.alaviandassociates.com/documents/civilcode.pdf>.

<sup>7</sup> <http://www.seddighin.com/fapage.aspx?536> (مؤسسه خیریه‌ای به نام صدیقین در مورد زنان و تواندهی آنان (2011))

<sup>8</sup> <http://www.bartarinha.ir/fa/news/66093>

<sup>9</sup> اداره آموزش و پرورش استان فارس - واحد امور زنان، زنان سرپرست خانواده، <http://portal.farsedu.ir/portal/show.aspx?page=21345>.

<sup>10</sup> <http://www.lemonpress.ir/fa/news/148798>

<sup>11</sup> برندان دالی، طبقه متوسط و تحصیل کرده ایران و روسپیگری پاره وقت، واشنگتون تایمز، مه 2013، <http://www.washingtontimes.com/news/2013/may/16/irans-educated-middle-class-and-part-time-prostitu/?page=all>، Iran sets sights on tackling prostitution، <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-18966982>، 2012، ژوئیه

<sup>12</sup> محبت نیوز، سن شروع روسپیگری در ایران 14 سالگی است، طبق منبع زیر، روسپیان در اولین بازداشت صد ضربه شلاق می‌خورند. در صورتی که این عمل تکرار شود، آنها به سنگسار محکوم می‌شوند، مجازاتی که به ندرت برای این جرم اجرا می‌شود. [http://www.mohabatnews.com/index.php?option=com\\_content&view=article&id=6750:-14-&catid=54:daily-news&Itemid=282](http://www.mohabatnews.com/index.php?option=com_content&view=article&id=6750:-14-&catid=54:daily-news&Itemid=282)

<sup>13</sup> ر. آزاد، روسپیگری در ایران، مستند، فوریه 2013، <http://www.youtube.com/watch?v=sixBJOznOVg>

<sup>14</sup> نگاه کنید به یادداشت شماره 12.

